



بررسی تأثیر تغییرات قدرت سیاسی بر تحولات فرش کرمان در عصر قاجار

با تأکید بر عصر نوزایی در فرش کرمان

ایمان زکریایی کرمانی* حمیدرضا شعیری** شهرزاد فروغی***

چکیده

فرش یکی از مهم‌ترین هنرهای اصیل و سنتی ایران به‌شمار می‌آید که در طول تاریخ هنر این سرزمین یکی از پویاترین نظام‌های گفتمانی را شکل داده است. در جغرافیای فرش ایران منطقه کرمان همانند ستاره‌ای درخشان می‌درخشد. از مهم‌ترین ویژگی‌های فرش کرمان این است که به‌خوبی توانسته است با تحولات فرهنگی و سیاسی ایران همراه شود و به شایستگی صورت‌بندی‌های معرفتی و گفتمان‌های رایج در فرهنگ ایرانی را بازنمایی کند. نظام گفتمانی فرش کرمان سابقه و پیشینه کهنی دارد و با گذر زمان فرازونشیب‌های متعددی را تجربه کرده است. هرچند که نمونه‌های موجود فرش کرمان نشان‌دهنده آن است که سابقه این هنر در این منطقه به دوره‌های قبل از صفویه می‌رسد، درخشان‌ترین دوره تحولات قالی کرمان پس از عصر صفویه در دوران قاجار روی می‌دهد و می‌توان تأثیر مؤلفه‌های قدرت سیاسی و اقتصادی را در نظام گفتمانی فرش کرمان در عصر قاجار به‌خوبی مشاهده کرد. در این پژوهش با رویکردی تاریخی و تطبیقی سعی داریم به این پرسش اصلی پاسخ دهیم که مؤلفه‌های قدرت به‌ویژه قدرت‌های سیاسی- اقتصادی حاکمان محلی چه نقشی در تحولات فرش کرمان داشته‌اند؟ در این مقاله با تکیه بر مبانی نظری گفتمان قدرت میشل فوکو، تحولات فرش کرمان در عصر رونق که با توجه به تحولات تاریخی فرش کرمان آن را عصر نوزایی نام نهاده‌ایم، بررسی می‌شود و نتیجه قابل تأمل در این مقاله این است که قدرت‌های سیاسی و اقتصادی مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده نظام گفتمانی فرش کرمان به‌شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: فرش کرمان، گفتمان قدرت، فرش قاجار، دوره نوزایی فرش کرمان

* دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران. (نویسنده مسئول) zakariaee@modares.ac.ir

** دانشیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر ادیان و تمدنها، دانشگاه هنر اصفهان.

مقدمه

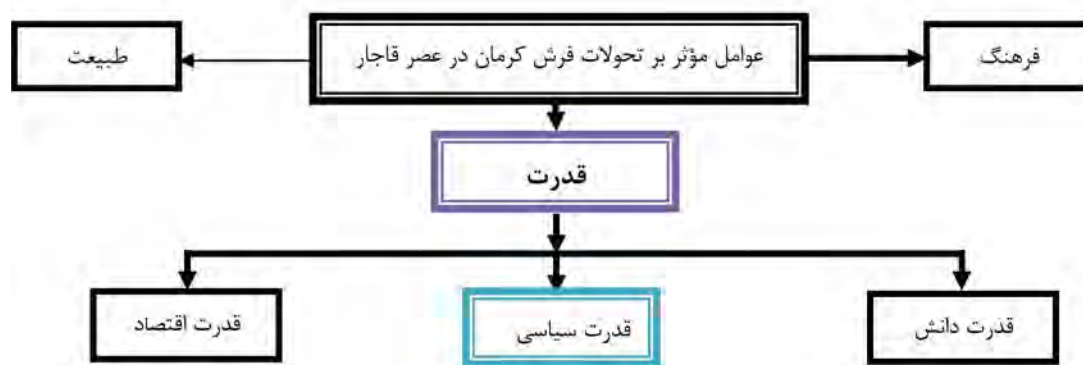
مشاهده کرد که در این عصر به‌طور عمومی فرش ایران از رونق قابل توجهی برخوردار می‌شود و کرمان که همیشه ارتباط تاریخی و هنری خود را با تاریخ و هنر ایران زمین حفظ کرده است، در این عصر یکی از درخشان‌ترین دوره‌های خود را تجربه می‌کند. با مطالعه تحولات فرش کرمان در عصر قاجار می‌توان نتیجه گرفت که چندین عامل مهم در تحولات فرش کرمان مؤثر بوده‌اند که برآیند آنها تحولات فرش کرمان را شکل می‌دهد. در این فرایند روبه‌رشد مؤلفه‌هایی مانند اقتصاد، قدرت‌های سیاسی، پیشینه فرهنگی و فنی، توانایی و مهارت هنرمندان طراح و بافنده، اقلیم و مواد و مصالح مرغوب مؤثر بوده‌اند که می‌توان آنها را در قالب نمودار ۱ طبقه‌بندی و دسته‌بندی کرد.

بر اساس طبقه‌بندی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نظام گفتمانی فرش کرمان در عصر قاجار می‌توان مؤلفه‌هایی مانند دین، ادبیات، آداب و رسوم و امثال آن را جزء عوامل فرهنگ طبقه‌بندی و اقلیم، جغرافیا و تمامی امور طبیعی را جزء طبیعت و در نهایت اقتصاد و سرمایه، تحولات سیاسی و میزان دانش، مهارت، ذوق، استعداد و توانایی‌های ذاتی هنرمندان را جزء عامل قدرت دسته‌بندی کرد. در این مقاله با توجه به پرسش اصلی می‌توان قدرت سیاسی را یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تحولات فرش کرمان در عصر قاجار شناسایی و بررسی کرد.

با مرور پیشینه این پژوهش می‌توان به نیاز مبرم حوزه تاریخ فرش کرمان به این گونه از مطالعات تاریخی و تحلیلی پی برد زیرا این گونه از مطالعات می‌تواند زمینه تحلیل‌های عمیق‌تر در حوزه‌های اجتماعی و طرح و نقش را فراهم سازد بنابراین این مقاله با مطالعه تحولات فرش کرمان بر مبنای تحولات سیاسی به دنبال اثبات این نتیجه احتمالی خواهیم بود که قدرت سیاسی مؤلفه مؤثری در تحولات فرش کرمان

فرش یکی از پویاترین نظام‌های گفتمانی هنر ایران به شمار می‌آید. نظام گفتمانی به مجموعه‌های بزرگ معنادار اطلاق می‌شود و نشانه‌های بریده‌شده و جداافتاده از بافت و موقعیت بافتی در آن فاقد ارزش‌اند. گفتمان کارکردی فرایندی دارد، به این معنا که رابطه همنشینی با حرکت پیش‌رونده و عموماً کمال‌گرا بر آن حاکم است. گفتمان شرایط عبور از جبر نحوی را فراهم می‌سازد و همین امر سبب می‌شود ساختارهای اولیه ذخیره‌شده در حافظه زبان‌های دیداری کنشگران گفتمان به ساختارهای تحول‌یافته، منحصر به فرد و ویژه‌ای تغییر یابد (شعیری، ۱۳۸۸: ۶۹). گفتمان دامنه‌ای فرازبانی، فرانشانه‌ای، فراموقعیتی و فرابافتی دارد که می‌تواند برای نشانه سطوح برونه‌ای، درونه‌ای و جسمانی، ابعادی مانند روایی، کنشی، شناختی، پدیداری، عاطفی و تنشی و ... قائل گردد (همان: ۷۰). نظام گفتمانی موجب تعامل دو نظام همنشینی و جاننشینی می‌شود که در کنار یکدیگر موجب بسط و توسعه معنا می‌شوند. در واقع، نظام گفتمانی فضایی ایجاد می‌کند که همه اشکال بتوانند در آن حضور یافته و در رقابتی سازنده با یکدیگر به اثبات برتری خود از دیگر رقبا پردازند.

نظام گفتمانی فرش در کرمان سابقه‌ای طولانی دارد و چنین به نظر می‌رسد که همانند سایر مراکز قالی‌بافی ایران، این هنر قبل از عصر صفویه در این شهر وجود داشته است اما بر مبنای اسناد مدقن می‌توان اولین اوج هنر فرش کرمان را به عصر صفوی نسبت داد. با توجه به افول هنر فرش در ایران پس از دوره صفوی، این هنر در کرمان هم‌چنان حیات درخشان خود را ادامه داد و فرش کرمان در دوران افشاریه و زندیه از بهترین فرش‌ها و پررونق‌ترین مراکز فرش‌بافی بوده است. با مطالعه سیر تحول فرش کرمان می‌توان دومین عصر رونق فرش کرمان را در دوران قاجاریه



نمودار ۱. الگوی عوامل مؤثر بر تحولات تاریخی فرش کرمان در عصر قاجار. (نگارندگان)

به فرش‌های ایران اختصاص یافته که اطلاعات خوبی از فرش‌های عصر صفوی کرمان در آن موجود می‌باشد. بنت^۵، (۲۰۰۳) در کتاب "فرش‌ها و قالی‌های جهان"^۶ بسیاری از نظریات و فرضیات فرش‌شناسی را در مورد فرش‌های شرقی و به‌ویژه ایران مطرح کرده است. وی در این کتاب تحلیل و طبقه‌بندی جدیدی در مورد فرش‌های گلدانی عصر صفوی کرمان ارائه کرده است. "فرش‌ها: تکنیک، سنت‌ها و تاریخ"^۷ اثر آنکویتیل^۸ (۲۰۰۳) می‌باشد که به‌صورت مروری و در قالب یک دانشنامه کوچک بیشتر در مورد مباحث تاریخی و ویژگی‌های فرش کرمان مطالبی را در خود جای داده است. علاوه بر منابع فوق برخی کتاب‌های مرتبط با موضوع این پژوهش مانند فرش‌های دوران قاجاریه (اتیک ۱۳۸۴) و تاریخ فرش: سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران (حشمتی‌رضوی ۱۳۸۷) وجود دارند که بیشتر بر جنبه‌های تاریخی موضوع تأکید دارند.

وزیری (۱۳۸۵ الف و ب) در دو اثر ارزشمند خود که در عصر قاجار نوشته و توسط محمد ابراهیم باستانی پاریزی تصحیح و تحشیه نویسی شده است، ضمن اشاره به تغییرات حکومت‌های سیاسی کرمان، برخی از مشاهدات خود در مورد فرش کرمان در عصر قاجار را ثبت کرده است که در انجام این تحقیق بسیار مفید و کارا بوده است. احمدی (۱۳۸۶) نیز در کتاب فرماندهان کرمان اطلاعات مفیدی در مورد حاکمان قاجاری کرمان نوشته که در بخش داده‌های تاریخی بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف جزء دسته پژوهش‌های توسعه‌ای قرار می‌گیرد زیرا باعث توسعه دانش فرش‌شناسی برمبنای سایر دانش‌های بشری مانند تاریخ سیاسی و منطقه‌ای است و روش تحقیق آن تاریخی - تطبیقی است. در مطالعات تاریخی این پژوهش نیاز به سازمان‌دهی داده‌ها و اطلاعات وجود دارد که گاه این داده‌ها با تحولات حکومت‌های سیاسی مطابقت دارد و گاه به وجود شخص یا جریان خاصی متکی است و زمانی جریان‌های اقتصادی را نیز دربرمی‌گیرد. در فرایند مطالعات تاریخی در ایران، تاریخ سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد و این مسئله عجیب نیست چراکه نوع حکومت‌های سیاسی در بستر تاریخ ایران شکل‌دهنده جریان‌ات فکری و اندیشه‌ای بوده‌اند. شاید این که حکومت‌های تاریخی ایران همواره اتصالی محکم به دین داشته‌اند، مهم‌ترین عامل قدرت آنها در شکل‌دهی جریان‌ات فرهنگی باشد و این اتصال نه به معنای دینداری حاکمان بلکه به معنای بهره‌گیری از قدرت

در عصر قاجار بوده است. به عبارت دیگر بررسی تطبیقی تغییرات قدرت سیاسی و تحولات فرش کرمان می‌تواند تا حدود قابل توجهی نقش مؤلفه قدرت را در نظام گفتمانی فرش کرمان آشکار سازد و دستیابی به این امر مهم می‌تواند به عنوان مهمترین هدف این تحقیق مطرح شود.

دوره مورد مطالعه در عصر قاجار دوران رونق فرش ایران است که با توجه به تحولات فرش کرمان در این دوران آن را عصر نوزایی نام نهاده‌ایم؛ زیرا دوران نوزایی در فرش کرمان احیای مجدد فرش کرمان پس از عصر کلاسیک صفوی است. این عصر از زمان حکومت وکیل‌الملک اول آغاز می‌شود و در عصر حکومت عبدالحسین میرزا فرمانفرما حاکم کرمان به اوج خود می‌رسد. در این عصر می‌توان تحولات کیفی و کمی فرش کرمان را بی‌سابقه دانست. دوره نوزایی براساس تحولات طرح و نقش قالی کرمان به سه عصر «ترمه»، «سبزیکار یا بهارستان» و «بازگشت» تقسیم شده است.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با فرش کرمان و به ویژه تحولات فرهنگی و اجتماعی آن مطالعات قابل توجهی صورت پذیرفته است اما زکریایی کرمانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به تحولات فرش کرمان در عصر قاجار به‌صورت مفصل پرداخته و دوره‌های تاریخی فرش این منطقه را طبقه‌بندی کرده است. علاوه بر این در حوزه فرش کرمان صباحی (۲۰۰۵) کتابی به زبان ایتالیایی نوشته که جزو معدود پژوهش‌های تخصصی در ارتباط با فرش کرمان است. کتاب صباحی از نظر اطلاعات تاریخی مروری کلی و گذراست اما از منظر منابع تصویری اثری ارزشمند به حساب می‌آید.

ادواردز (۱۹۷۵) در پژوهشی که برمبنای تجربیاتش در دوران مسئولیت در شرکت اوس.سی.ام نوشته به طور مفصل برخی از وقایع فرش کرمان در دوران قاجار را مرور نموده که این پژوهش بیشتر با بیانی تاریخی به فرش کرمان پرداخته و در آن تحلیل خاصی صورت پذیرفته است. فورد^۱ در کتاب "فرش‌های شرقی"^۲ (۱۹۹۳) برخی از مهمترین مناطق فرش‌بافی، نقش‌های رایج فرش‌های شرقی و به ویژه ایران و کرمان را مورد معرفی و بررسی قرار می‌دهد. لازم به ذکر است که فورد از جمله مدیران شرکت اوس.سی.ام می‌باشد که در این کتاب همانند ادواردز تجربیات خود را مکتوب کرده است. "فرش‌های بزرگ جهان"^۳ کتابی ارزشمند است که به کوشش برینستین^۴ و همکارانش (۱۹۹۶) در مورد فرش‌های قدیمی و کهنه جهان و به‌ویژه فرش‌های آسیایی نگاشته شده است. تقریباً دو فصل این کتاب کاملاً

دین در بین توده عامه بوده است. از این روی در مطالعات تاریخی، نقاط اوج و حضيض مظاهر فرهنگی به جریانات قدرت سیاسی وابسته است. بنابراین عجیب نیست که معیار تاریخ سیاسی در تقسیمات مکاتب هنری ایران وارد شود. مکتب عباسی، ایلخانی، تیموری، صفوی و قاجار از جمله مظاهر این وابستگی است.

به طور کلی، تاریخ فرش کرمان فرایند پرتحولی است که نقاط مبهم و تاریک زیادی دارد. متأسفانه هنوز مطالعات جدی برای روشن سازی ابهامات این تاریخ صورت نپذیرفته است و تنها منبعی که بخشی از این ابهامات را رفع کرده، کتاب فرش دارالامان کرمان در عصر قاجار است که نوشته نگارنده و در حال چاپ است. طبقه بندی دوره های تاریخی فرش کرمان بر مبنای همین تحقیق بنیان گذاشته شده است. نگارندگان برای تسهیل شناخت روند تاریخی فرش کرمان در عصر نوزایی در این مقاله به مطالعه تطبیقی دوره حاکمان کرمان در عصر قاجار و دوره نوزایی پرداخته اند. احتمالاً تحولات سیاسی و اقتصادی بر روند شکل گیری نقش و طرح فرش و تاریخ آن تأثیر می گذارد و فرض بر آن است که بررسی تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی فرش کرمان موجب ابهام زدایی تاریخ فرش در این دوره می شود. روش گردآوری داده ها در مرحله اول کتابخانه ای و در مراحل بعد با استفاده از روش میدانی مصاحبه و مشاهده در رجوع به موزه ها و دیدار و مشاوره با صاحب نظران این حوزه مطالعاتی بوده است.

مبانی نظری

شاید بتوان مباحث مربوط به مؤلفه قدرت را در نظریات فلسفی نیچه جستجو کرد. اراده معطوف به قدرت یکی از مهم ترین نظریات فلسفی نیچه به شمار می آید. این نظریه وی را اندیشمند فرانسوی، میشل فوکو، به مباحث اجتماعی، سیاسی و زبانی وارد کرد و در نتیجه بنیان های مطالعات تحلیل گفتمان قدرت در حوزه علوم اجتماعی مطرح شد. میشل فوکو، متفکر فرانسوی، از مؤثرترین متفکران قرن بیستم است. بعضی از صاحب نظران اصلاً او را فیلسوف نمی دانند بلکه او را متفکر و اندیشمند حوزه های مختلف علوم اجتماعی می شناسند. فوکو در اندیشه های خود، جایگاه بسیار مهمی برای مسائل اجتماعی و به ویژه «قدرت» در نظر گرفته و بیشترین توجه فلسفی خود را به مفهوم و ماهیت قدرت معطوف داشته است.

میشل فوکو در مباحث تبارشناسانه خود بر سه چهره قدرت، یعنی: «قدرت گفتمانی»، «قدرت دیسپلینی» و «قدرت مشرف

بر حیات» مطالعه می کند که «قدرت گفتمانی» مد نظر این پژوهش است. از نظر فوکو، قدرت گفتمانی یا «قدرت حاکم» قدرتی است که «به جای آن که بر بدن ها و آنچه بدن ها می کنند اعمال شود، روی زمین و تولیدات آن اعمال می شود. ویژگی این قدرت آن است که قدرتی مستقیم است و با دست انداختن بر دارایی های جامعه و مستقل از کنش و واکنش با پیکر جامعه ای که ملت را می سازد و هویت خود را با آن یکی می داند، تداوم می یابد» (رهبری، ۱۳۸۵: ۱۳۸).

تعبیر فوکو در باب قدرت به صورت یک نظریه مطرح نمی شود، چرا که این تعبیر صرفاً جنبه توصیفی دارد و خارج از متن و غیرتاریخی نیست. فوکو آنچه درباره قدرت ارائه کرده است، تحلیل های قدرت می نامد و آن را مقابل نظریه قرار می دهد (خوش روزاده، ۱۳۸۲: ۱۷۸). «از دیدگاه فوکو، قدرت چیزی نیست که در مالکیت دولت، طبقه حاکمه یا شخص حاکم باشد. برعکس، قدرت یک استراتژی است. قدرت نه یک نهاد، نه یک ساختار بلکه وضعیت استراتژیکی پیچیده و کثرت روابط میان پدیده هاست» (سلیمی نوه، ۱۳۸۳: ۵۴). قدرت در نظر فوکو شبکه ای است که همه در آن گرفتارند. افراد جامعه مالک یا کارگزار قدرت نیستند بلکه مجرای آن هستند.

یکی از مقولات مهم دیگر در برداشت فوکو از قدرت که مد نظر این پژوهش نیز هست، تحلیل رابطه دانش و قدرت است. به عقیده وی، قدرت مولد دانش است؛ به عبارت دیگر، قدرت و دانش مستقیماً بر یکدیگر دلالت دارند، یعنی نه مناسبات قدرتی بدون ایجاد حوزه ای از دانش و همیسته با آن وجود دارد نه دانشی که مستلزم مناسبات قدرت نباشد و مناسبات آن را پدید نیاورد، امکان وجود می یابد. «از نگاه فوکو علم و دانش نمی توانند خود را از ریشه های خویش متمایز سازند، بلکه عمیقاً با روابط قدرت در آمیخته اند. به گونه ای که هر جا قدرت اعمال شود، دانش نیز تولید می شود. بر اساس طرز تلقی حاکم بر عصر روشنفکری، دانش تنها وقتی ممکن می شود که روابط قدرت متوقف شده باشند اما از نظر فوکو قدرت و دانش ملازم یکدیگرند و از این رو هیچ حوزه ای از دانش را نمی توان تصور کرد که متضمن روابط قدرت نباشد و هیچ رابطه قدرتی بدون تشکیل حوزه ای از دانش متصور نیست» (همان: ۵۴).

از مباحث مطرح شده می توان چنین نتیجه گرفت که ترکیب نیرومندی از دانش و قدرت، که بدن انسان یکی از موارد تجلی آن است، در حقیقت ساخت کلی قدرت را تشکیل می دهد. قدرت و دانش نسبت به یکدیگر خارجی نیستند بلکه در طی تاریخ، متقابلاً مولد و سازنده یکدیگر بوده اند.



فرش‌های شگفت‌انگیزی که کاخ‌ها و مساجد خلفای فاطمی مصر را نیز زینت می‌بخشید، از مناطق فارس و کرمان می‌آمد (Ibid: 90). بنابراین، به احتمال زیاد قبل از عصر صفوی قالی‌بافی در کرمان وجود داشته اما صنعت گسترده‌ای نبوده است و احتمالاً بافت فرش در کرمان قبل از عهد صفوی به صورت هنری روستایی و عشایری مطرح بوده و فرش‌هایی جهت استفاده محلی تولید می‌شده اما آن قدر گسترده نبوده است که سیاحی مانند مارکوپولو به آن اشاره کند. در هر صورت، باید پذیرفت که اسنادی دال بر وجود صنعت فرش‌بافی در کرمان از عهد صفویه به بعد وجود دارد و کرمان از این عصر به بعد یکی از مهم‌ترین مراکز تولید فرش در ایران مطرح می‌شود. به طوری که فرش‌های کرمانی زینت‌بخش بناها و کاخ‌های عصر صفوی و حتی ممالک دیگر می‌گردد.

تاریخ کرمان در حوزه فرش‌شناسی با روی کار آمدن گنجعلی‌خان زیگ^۹ در عصر صفوی اهمیت می‌یابد. هنر طراحی فرش در این دوران به یکی از بلندترین ادوار خود دست می‌یابد. در این عصر طراحان قالی کرمان در فضایی پویا قرار گرفتند و رشد شیوه‌های فنی بافت و افزایش مهارت بافندگان به آنها این امکان را داد که به صورتی آزاد تخیل هنری خود را به تصویر بکشند. تحولات صنعت فرش در عصر صفوی فقط در کرمان روی نداد بلکه به واسطه تدبیر شاه‌عباس کبیر در بسیاری از بلاد ایران زمین اتفاق افتاد. کرمان در عصر صفوی یکی از مهم‌ترین مراکز تأسیس کارگاه‌های سلطنتی بود و این امر نشان‌دهنده مرغوبیت و کیفیت بافته‌های کرمان در این عصر است. تحولاتی که گنجعلی‌خان در هنر کرمان به‌ویژه قالی‌بافی آن شکل داد، تداوم و حیات این هنر را تا چندین سده بعد تضمین کرد. در ارتباط با مرغوبیت و نفاست قالی کرمان در دوران حکومت وی اسناد زیادی بر جای مانده است. اسکندربیک منشی در کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی از قالی کرمان یاد می‌کند و ابوالفضل صدر اعظم اکبرشاه (۱۵۵۱ م./ ۹۵۹ ه.ق. - ۱۶۰۲ م. / ۱۰۱۱ ه.ق.) در کتاب آیین اکبری می‌نویسد: فرش‌هایی از کرمان و برخی نقاط دیگر ایران جهت دربار اکبرشاه وارد می‌شد (Bennet, 2004: 125). بخشی از فرش‌هایی که شاه‌عباس در سال ۱۰۰۷ ه.ق./ ۱۵۹۸ م. به حرم مطهر امام رضا (ع) هدیه کرده است، بافت کرمان بوده‌اند (واکر، ۱۳۸۴: ۷۶) و گنجعلی‌خان در وقف‌نامه خود توصیه کرده بود که هر چند سال یک‌بار قالی مخصوصی در کرمان بافته به آستانه مقدس حضرت امام رضا (ع) تقدیم کنند (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۸: ۲۸۱). علاوه بر این، در زمان حکومت وی در کرمان یک تخته قالی نفیس به فرمان شاه

چنان که آشکار است، روابط درونی میان دانش و قدرت از نوعی هستند که به همان سهولت، درک و فهم نمی‌شوند. «باید بپذیریم که قدرت و دانش مستقیماً متضمن یکدیگرند، هیچ رابطه قدرتی بدون تشکیل حوزه‌ای از دانش مربوط بدان وجود ندارد و هیچ دانشی هم وجود ندارد که در عین حال متضمن و موحد روابط قدرت نباشد. بنابراین، چنین فاعل شناختی را نباید براساس فاعل شناختی که از نظام قدرت فارغ است یا فارغ نیست تحلیل کرد بلکه برعکس فاعل شناخت، موضوعات شناخت و اسلوب‌های شناخت باید به‌عنوان اثرات و نتایج مختلف چنین تضمین‌های متقابل دانش و قدرت و تغییر شکل‌های تاریخی آنها تلقی شوند» (طیبسی، ۱۳۸۳: ۳۶).

فرش کرمان از ابتدا تا دوره قاجار

جغرافیای کرمان در طول تاریخ چند هزار ساله سکونت در این منطقه، رشد صنایع نساجی کرمان را به دنبال داشته و در میان منسوجات بدون تردید، فرش یکی از کاربردی‌ترین دست بافته‌های بشری است. اسناد موجود شروع بافت فرش‌های پرزدار در کرمان را به عصر صفوی می‌رسانند اما پذیرفتن این واقعیت کمی دشوار است. بدون تردید فرش قبل از عصر صفوی در کرمان وجود داشته اما اسناد مدقن بر این ادعا بسیار اندک است. بسیاری از فرش‌شناسان غربی در مورد عدم وجود فرش در کرمان در دوران پیش از صفوی به سفرنامه مارکوپولو استناد می‌کنند. ادواردز نیز بر این باور است که قالی‌بافی با روی کار آمدن صفویان در کرمان آغاز شده است. او در کتاب قالی ایران می‌نویسد: «کرمان در صنعت فرش سابقه بسیار طولانی دارد ولی هیچ‌گونه سندی دال بر وجود فرش‌بافی قبل از سده شانزدهم میلادی در این شهر نیست. حتی مارکوپولو، سیاح ونیزی، که در قرن سیزدهم از این شهر دیدن کرده و صورت مفصلی از فعالیت‌های ساکنان آن تهیه کرده است، قلاب‌دوزی و سوزن‌دوزی را در این صورت ذکر کرده ولی از قالی‌بافی کرمان سخنی به میان نیاورده است. حتی سترنج که با دقت تمام آثار ۲۴ جغرافی‌دان مسلمان را بررسی کرده، به هیچ موردی در باب صنعت قالی‌بافی کرمان برنخورده است» (ادواردز، ۱۳۵۷: ۲۲۷). اما والتر هاوولی در کتاب فرش‌های قدیمی و جدید شرقی سابقه بافت فرش در کرمان را بیش از هزار سال تخمین می‌زند که علاوه بر پیوستگی بافت در این سابقه، کیفیت عالی بافته‌ها قابل توجه است (Hawley, 1970: 113). از همان صدر اسلام منسوجات کرمانی کف اتاق‌ها و تخت‌های قصر خلفای اسلامی را پوشش می‌داد (Ibid). همچنین، بسیاری از

عباس برای آستان مقدس حضرت شاه‌نعمت‌الله ولی بافته می‌شود که بعدها در عصر قاجار این قالی را یک خارجی خریداری می‌کند و از ایران خارج می‌شود. این قالی لچک ترنج را که دارای کتیبه‌ای تقدیمی نیز بوده است، سایکس و فرد ریچاردز در عصر قاجار توصیف کرده‌اند.

پس از عصر صفویه و جنایات محمود افغان در ایران اوضاع صنایع و اسباب آبادانی ایران نابسامان شد و از این رویدادها به‌ویژه کرمان آسیب‌های فراوان دید و از آنجا که صنایع نساجی، به‌ویژه قالی‌بافی از مهمترین صنایع کرمان در عهد صفویان به حساب می‌آمد، از این آسیب‌ها در امان نماند.

اما هرگز از شروع عصر صفوی تاکنون، این هنر در بلاد کریمان هرگز نابود نشد. پس از حکومت کوتاه مدت محمود و اشرف افغان اوضاع سیاسی ایران بسیار نابسامان شد و از این‌روی صنایع کشور رو به افول نهاد. در این میان بسیاری از مراکز صنعتی دچار مشکل شدند و این وقایع تا روی کار آمدن نادرشاه افشار در خراسان ادامه داشت. نادرشاه افشار در زمان حکمرانی خود برخی از بافندگان کرمانی را جهت افزایش قدرت خود به قسمت‌های شمالی ایران برد (Hawley, 1970: 113). با این کار او برخی بنیان‌ها و زیرساخت‌های قالی این منطقه را ویران ساخت



نمودار ۲. الگوی تحولات فروش کرمان در طول تاریخ فروش کرمان (زکریایی کرمانی، در دست چاپ)

تقریباً هیچ صنعتی در کرمان رواج نداشت و به احتمال زیاد قالی‌بافی هم به همین ترتیب اصلاً اوضاع خوبی نداشت تا این که ابراهیم‌خان ظهیرالدوله به حکومت کرمان فرستاده شد. ابراهیم‌خان در سنه ۱۲۱۸ ه.ق. ۱۸۰۳ م. به حکومت کرمان منصوب شد. در زمان حکومت وی، ملک دارالامان امن و رعیت ایمن بود. اسناد مهمی دال بر رواج و رونق قالی‌بافی در کرمان عصر ظهیرالدوله وجود ندارد اما نقش این فرمانده لایق در کرمان از هیچ چشم منصفی پوشیده نیست.

بنابر تحولات تاریخی فرش کرمان در بین سال‌های ۱۲۱۸ ه.ق. ۱۸۰۳ م. تا ۱۲۷۱ ه.ق. ۱۸۵۴ م. که می‌توان آن را «دوران پیشانوزایی» فرش کرمان نامید، به دلیل آبادانی و ساخت وسازه‌های فراوان ابراهیم‌خان و برخی از جانشینان او تقاضا برای فرش کرمان به صورت منطقه‌ای افزایش یافت، اما هرگز در این سال‌ها قالی محصول صادراتی عمده‌ای نبود بلکه تنها تقاضای داخلی و مقادیری صادرات می‌توانست رشد و توسعه آن را از لحاظ کمی تضمین کند. منابع دسته اول ایرانی و خارجی مؤید آن است که در این سال‌ها دوره تولید فرش برای مصارف داخلی در شهرها و مراکز روستایی و محل استقرار ایلات و در بیشتر مناطق ایران صورت می‌پذیرفته است (اتیک، ۱۳۸۴: ۹۵) که کرمان در این دوره از تاریخ فرش خود جزء همین مناطق بوده است که از ویژگی‌های طرح و نقش این زمان باید به تداوم سنت‌های گذشته منطقه‌ای اشاره کرد. در دهه‌های پایانی قرن ۱۳ ه.ق. ۱۹ م. صادرات فرش ایران به اروپا دچار مشکلاتی می‌شود که بر روند توسعه این کالای هنری در کرمان تأثیر منفی می‌گذارد و در عوض زمینه رشد رقیب دیرینه این هنر یعنی شال‌های ترمه را فراهم می‌کند. در دهه ۱۲۵۰ ه.ق. تا ۱۲۶۰ ه.ق. ۱۸۴۰ م. تا ۱۸۵۰ م. میزان صادرات فرش ایران به ترابوزان و استامبول به‌طور ناگهانی کاهش می‌یابد که بخش عمده این کاهش صادرات معلول عدم تناسب اندازه‌های قالی ایران با نیازهای اروپایی بود (همان: ۹۷).

کرمان در سال‌های ۱۲۷۱ ه.ق. ۱۸۵۴ م. تا ۱۳۱۲ ه.ق. ۱۸۹۴ م. اولین بارقه‌های رونق خود را تجربه می‌کند و آماده ورود به عصر طلایی این هنر در عصر قاجار می‌شود بنابراین می‌توان این دوره را عصر «نوزایی متقدم» در فرش کرمان نامید. در رونق قالی کرمان در این عصر کاملاً ملموس می‌شود. در این سال‌ها زمینه رسیدن قالی کرمان به بالاترین نقطه اوج فراهم می‌آید اما همانند قبل هنوز صنعت شالبافی اولین هنر مردم کرمان شناخته می‌شود. در دوران نوزایی متقدم بسیاری از سرمایه‌های مالی و انسانی کرمان صرف تولید و صادرات شال‌های نفیس کرمانی می‌شد اما از حدود دهه اول قرن چهاردهم هجری قمری زمینه رشد قالی‌بافی با

(Ford, 1993: 265). با توجه به هجوم افغان‌ها و حملات نادرشاه افشار و تخریب مراکز قالی‌بافی ایران رکود قابل توجهی در این هنر و صنعت در عصر افشاریه مشاهده می‌شود. اما بافت فرش‌های پشمی در اندازه‌ها و مقیاس‌های اندک برای مصارف داخلی در مراکز سنتی از جمله کرمان ادامه داشت (دیبا، ۱۳۸۴: ۹۰).



تصویر ۱. قالیچه کناره‌ای محمدشرف کرمانی اهدایی از طرف تقی‌خان دورانی به امامزاده زیدبن‌عبدالله شهید (Sabahi, 2005: 40)

فرش ایران در دوران زندیه نیز با مهارت بافندگان کرمانی احیا شد. یکی از مهم‌ترین اسناد موجود فرش کرمان در عصر زندیه یک تخته قالی به ابعاد $4/96 \times 1/72$ متر موجود در موزه ملی ایران است. این قالیچه کناره‌ای، دارای سه حاشیه و متنی با طرحی شبکه‌ای است. قالی کرمانی مورد بحث گره فارسی و تار و پود و پرز پشمی دارد که براساس کتیبه روی آن در سال ۱۱۷۹ ه.ق. ۱۷۶۵ م. به سفارش تقی‌خان دورانی حاکم وقت کرمان به منظور وقف بر حرم امامزاده زید بافته شده است (روح‌فر، ۱۳۷۴: ۱۰۶). بنابراین می‌توان بنابر اسناد موجود به تداوم فرش‌بافی در عصر افشاریه و زندیه اشاره کرد. اگر این سابقه کهن در کرمان وجود نداشت، هرگز قالی‌های زیبای عصر قاجار شکل نمی‌گرفتند.

فرش کرمان در دوره قاجار

آغاز حکومت قاجار در کرمان با ویرانی و خرابی همراه بود، به طوری که از آن شهر پررونق دوره صفوی فقط یاد و خاطره برجای ماند. در این دوران نه تنها قالی‌بافی بلکه حتی صنایع ابتدایی نیز نمی‌توانستند رونقی داشته باشند. در این زمان کرمان در معرض آسیب‌های تاخت‌وتاز خان‌های قاجاری قرار گرفت و اوضاع مردم و صنایع بسیار اسفناک بود.



تحولات بازار ترمه کرمان در اروپا فراهم می‌شود. با اختراع دستگاه ژاکارد رقبای اروپایی توانایی تولید پارچه‌های شال را با هزینه کمتر پیدا می‌کنند و همین امر موجب کاهش بازار شال‌های کرمانی در اروپا می‌شود. تنزل بازار شال در طول سال‌ها هم‌زمان با رشد صادرات قالی کرمان است. تلاش‌ها در تغییر اندازه‌ها و تحولات بازارهای جهانی فرش ایران در این زمان روی می‌دهد. سال‌هایی که زمینه‌ساز درخشان‌ترین عصر قالی کرمان شد. این دوره فرش‌بافی با حکومت وکیل‌الملک اول در کرمان آغاز می‌شود، در میانه حکومت خاندان فرمانفرمایان به پایان می‌رسد و فرش کرمان به عصر طلایی خود وارد می‌شود.

فرس کرمان در دوره نوزایی (از ۱۳۱۲ ه.ق. تا ۱۸۹۴ م. تا ۱۳۱۲ ه.ش. / ۱۹۳۳ م.)^{۱۰}

دوره نوزایی عصر طلایی فرش کرمان به حساب می‌آید که در عصر قاجار واقع شده است. این دوره با مرگ ناصرالدین شاه آغاز می‌شود و با بحران اقتصادی ۱۹۳۳ م. / ۱۳۱۲ ه.ش. آمریکا به پایان می‌رسد. در این دوران فرش‌های شهری و روستایی کرمان بیشترین تحولات همه‌جانبه خود را در طول تاریخ فرش کرمان تجربه می‌کنند. حضور سرمایه‌گذاران غیرکرمانی که مهم‌ترین آنها تجار تبریزی و شرکت‌های خارجی چندملیتی هستند، در این عصر اقتصاد فرش کرمان را به دست می‌گیرند و بزرگ‌ترین تحولات طرح و نقش قالی کرمان در این دوران رقم می‌خورد. با افزایش تقاضای بازار اروپا در این دوره، آن‌قدر تقاضا برای فرش ایرانی و در نتیجه کرمانی افزایش می‌یابد که قاچاق قالی از مرزهای غربی به پیشه‌ای برای مرزنشینان تبدیل می‌شود (همان: ۹۷). رونق بازارهای اروپایی تقاضا برای فرش‌های شرقی به‌ویژه ایرانی را بدان حد می‌رساند که تجار تبریزی که قبلاً فقط قالی‌های کهنه می‌خریدند، خود به تولید در مناطق سنتی قالی‌بافی - مانند کرمان - بپردازند.

از جمله ویژگی‌های این دوره ورود حاکمان محلی به عرصه تولید فرش کرمان است که شاید شهره همه آنها عبدالحسین میرزا فرمانفرما، بهجت‌الملک، عطاءالملک و رکن‌الدوله باشند. مرحوم احمدعلی خان وزیر در کتاب جغرافیای کرمان ذیل توصیف صنایع گواشیر^{۱۱}، پس از وصف شال‌بافی، از قالی این منطقه یاد می‌کند و به تحولات عصر ترمه در دوره نوزایی قالی کرمان نیز اشاره دارد: «دیگر قالی است که به‌خوبی آن در هیچ ولایت بافته نمی‌شود از سنه ۱۳۱۵ تا چهار - پنج سال حرفه قالی‌بافی در کرمان به‌طوری ترقی کرد و رونق گرفت که تمامی اهالی این مملکت از اعیان

و خوانین و اعالی و اوسط و ادانی و غیره هرکس استطاعت و توانی و ده تومان در خود دید، یک دستگاه و بیشتر برای جلب منافع باز نمود. اغلب دستگاه‌های شال‌بافی مبدل به قالی شد، بسیاری از مردم ترقی کرده صاحب مکت و ثروت شدند و تمام دادوستاد کرمان و معاملات مردم آن سامان از تجار ترک و غیره منحصر به خرید و فروش قالی بود...» (وزیری، ۱۳۸۵، ب: ۱۱۵). محمداسماعیل طهرانی نیز در ۱۶ محرم ۱۳۱۵ ه.ق. / ۱۸۹۷ م. در نامه‌ای به امین‌الضرب به این رشد قالی کرمان اشاره می‌کند «... محض اطلاع عرض نمایم که قالی و قالیچه بازاری در کرمان خیلی رواج است...» وی در ادامه به افزایش تعداد دارهای قالی کرمان اشاره دارد «...حالی که در کرمان و بلوک کرمان قریب هشت هزار کارخانه قالی‌بافی شده و تجار تبریزی اکثر کارخانه‌های شال‌بافی را کارخانه قالی کرده‌اند» (کرمان در اسناد امین‌الضرب، ۱۳۸۴: ۳۷۳).

بنابراین، از مهم‌ترین تحولات فرش کرمان در دوره نوزایی افزایش کمی قالی‌های تولیدی کرمان است که در نتیجه افزایش تعداد دارهای قالی در این منطقه حاصل شده است. همان‌طور که گفته شد، براساس گزارش کلنل اسمیت در سال ۱۲۸۸ ه.ق. / ۱۸۷۱ م. فقط شش کارگاه در کرمان مشغول به کار بودند (Bennet, 2004: 239) و دقیقاً ۲۹ سال بعد، یعنی در سال ۱۳۱۸ ه.ق. / ۱۹۰۰ مکه اوج دوره نوزایی فرش کرمان محسوب می‌شد، براساس گزارش ژنرال سایکس تعداد دارهای قالی در شهر کرمان به ۱۰۰۰ دستگاه و در راور در حدود ۱۰۰ دستگاه می‌رسد (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۳۳) و در فاصله چهارده سال بین سال‌های ۱۳۱۸ ه.ق. / ۱۹۰۰ م. تا ۱۳۳۳ ه.ق. / ۱۹۱۴ م. که آغاز جنگ جهانی اول است، تعداد دستگاه‌های قالی‌بافی در کرمان از ۱۰۰۰ دستگاه به بیش از ۳۵۰۰ دستگاه فقط در خود شهر کرمان می‌رسد که این افزایش چشمگیر تعداد دستگاه‌های قالی‌بافی کرمان تا آغاز جنگ جهانی اول رونق عصر نوزایی فرش کرمان را آشکار می‌کند.

از این عصر هزاران قالی و قالیچه کرمانی به دست آمده است که افتخار هنر قالی ایران و کرمان محسوب می‌شوند. از جمله قالی‌های دوره نوزایی می‌توان به تعدادی از قالی‌های زیبای مجموعه فرش‌های آستان قدس رضوی اشاره کرد که گمان می‌رود بافت کرمان و مربوط به سال‌های آخر قرن نوزدهم باشد (خان محمدآذری، ۱۳۵۶: ۳۲). «توم کولیجان» از ارامنه ایران یک قالی زیبای کرمانی را از ایران به آمریکا برد و زیر ناقوس بزرگ آزادی را فرش کرد. همین که قالی مزبور به نام «قالی آزادی» شهرت یافت، مورد توجه رؤسای جمهور آمریکا و سایر بزرگان جهان واقع شد زیرا سرشناسی مانده:

ترمه را دوران انتقال نقوش ترمه به فرش کرمان می‌دانند چراکه کاربرد نقوش رایج در شال‌های ترمه در فرش آغاز می‌شود. این عصر تا حدود سال ۱۳۲۷ ه.ق. / ۱۹۰۹ م. یعنی سال آغاز ورود نمایندگان خارجی شرکت‌های چندملیتی به کرمان ادامه می‌یابد.

هنرمند طراح عصر انتقالی ترمه در ابتدا نقوش پارچه‌های ترمه را عیناً بر فرش کرمان قرار می‌داد. در این عصر بسیاری از هنرمندان طراح و بافنده شال به کارخانه‌های قالی‌بافی آمدند و با بهره‌گیری از قرن‌ها تجربه در حوزه بافت شال، تحولی اساسی در عرصه فرش کرمان به وجود آوردند. در این عصر نوعی نگاه زیبایی‌شناسانه که در حوزه شال ترمه به تکامل رسید، در حوزه فرش کرمان رواج یافت. حاشیه‌های باریک، توالی تکراری از انواع نقش بته، ترکیب‌بندی‌های شلوغ و بهره‌گیری از نقش‌مایه‌های شال از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های زیبایی‌شناسی طراحی فرش در عصر ترمه است. از ویژگی‌های نقوش فرش کرمان در عرصه ترمه می‌توان به انواع بته مانند بته کشمیری، بته جقه، بته مادر و بچه، بته قهروآشتی، بته میری و انواع بته شاخ‌گوزنی اشاره کرد. گل‌هایی مانند شاه‌عباسی، تاج‌خروس، داوودی و پروانه‌ای که در شال‌های ترمه کرمانی بافته می‌شد، در این عصر بر تاروپود قالی و قالیچه‌های کرمانی وارد شد. گسترش این نقوش در حوزه فرش کرمان در عصر ترمه بر فرش‌های ایللیاتی و عشایری نیز تأثیر گذاشت و آغازگر نوع جدیدی از طراحی فرش در ایران شد به طوری که نقوش ترمه که اولین بار بر فرش کرمان نقش بست در مناطقی مانند کاشان، سنه، بیجار و تبریز و بعدها به صورت عنصری تزئینی در ترکیب فرش‌های منطقه اراک و سلطان‌آباد خود را نشان داد.



تصویر ۲. بخشی از نقش یک قالیچه عصر ترمه کرمان با نقش هشت‌بته که نشان‌دهنده انتقال نقوش شال ترمه بر فرش کرمان است. این نقش بعدها در فرش‌های سنه و بیجار بسیار به کار رفت و به نقش هشت‌بته سنه مشهور شد. (موزه فرش ایران - عکس از نگارنده)

کلمانسو، لیندبرگ، ژنرال فوش، هیروهیتو امپراطور ژاپن، ادیسون، فورد، پتن، ژوفر، لوید جورج، کیچنر، پادروسکیروی آن قالی کرمانی ایستاده‌اند و نشسته‌اند. از جمله رویدادهایی که بر ارزش معنوی این قالی می‌افزاید آن است که نمایندگان صلح و رسای روی این قالی کرمانی ایستادند و پیمان صلح جنگ جهانی اول را امضاء کردند و سپس قالی را از ورسای به آمریکا بردند و پرزیدنت ویلسن روی آن ایستاد و از روی نخستین مجسمه سرباز گمنام پرده برداشت. عجیب آن است که صاحب این قالی گران‌بها در آخر عمر ورشکست شد و کارش به روزنامه‌فروشی کشید ولی در همان حال تنگدستی از فروش قالی مذکور که هزاران دلار قیمت داشت خودداری کرد و سرانجام در همان حال زار از دنیا رفت و قالی را از دست نداد (جواهر کلام، ۱۳۳۴: ۱۳).

در دوره نوزایی فرش کرمان، به دلیل سرعت تحولات تغییرات قابل توجهی در طرح و نقش فرش کرمان ایجاد شد که بر همین اساس این دوره خود به سه زیرگروه عصر «ترمه»، «بهارستان» و «بازگشت» قابل تقسیم است. قبل از ورود به شرح اعصار تشکیل‌دهنده دوره نوزایی ذکر یک نکته لازم و ضروری است. وقتی از ویژگی‌های طرح و نقش یک عصر صحبت می‌شود، منظور گرایش‌ها و جریان‌های غالب در آن عصر است که امکان دارد عین یا تأثیرات آن تا دوره‌های بعدی نیز ادامه پیدا کند. در واقع، مراد از این تقسیم‌بندی شناخت و طبقه‌بندی جریان‌های غالب است و هرگز پرداختن به مصداق‌های بافته‌شده در تاریخی خاص مورد نظر نبوده است. بنابراین، ممکن است طرحی با ویژگی عصر ترمه در عصر بازگشت نیز بافته شده باشد که در مرحله اول سبک طرح برای ما اهمیت می‌یابد و این بافته با توجه به تاریخی جدیدتر در گروه قالی‌های عصر ترمه طبقه‌بندی می‌شود.

عصر ترمه

این عصر از سال ۱۳۱۲ ه.ق. / ۱۸۹۴ م. با شروع دومین حضور عبدالحسین میرزا فرمانفرما در کرمان آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۲۷ ه.ق. / ۱۹۰۹ م. مقارن با پایان حکومت صاحب اختیار در کرمان و آغاز حکومت احمدشاه قاجار در ایران ادامه پیدا می‌کند. عصر ترمه در تحول طرح و نقش قالی کرمان مقارن با افت صنعت شال کرمانی و در مقابل رونق روزافزون قالی‌های کرمانی است در نتیجه بیشتر هنرمندان و نیروهای انسانی بافنده کارخانه‌های شال بافی به کارگاه‌های قالی‌بافی جذب می‌شوند. شروع این عصر مقارن با شروع کار هنرمندی مانند محسن خان شاهرخی در حوزه طراحی فرش کرمان است. وی قبل از این به طراحی شال و نقاشی اشتغال داشت. عصر

آغاز این عصر گره‌برداری کامل از نقوش ترمه و اواخر آن سازگاری کامل نقوش ترمه در حوزه فرش است. پس از سازگاری نقوش ترمه در ساحت طراحی فرش دوباره تناسبات طرح فرش متعادل می‌شود و براساس سنت‌های قدیمی شکل می‌گیرد. چندین نمونه قالی از این دوران در موزه فرش ایران موجود است که این نمونه‌ها به خوبی تحولات طرح و نقش را در عصر ترمه نشان می‌دهند. مهم‌ترین شاخصه سال‌های آغازین عصر ترمه عدم توجه به سلايق و خواسته‌های بازارهای خارجی بود (پرهام، ۱۳۵۷: ۳۴۲) اما با نزدیک شدن به سال‌های پایانی این عصر و نفوذ سرمایه‌های خارجی به فرش کرمان تأثیرات بازارهای غربی در فرش کرمان نمایان می‌شود.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوره نوزایی ورود حاکمان محلی به عرصه تولید و سفارش فرش است که در ادامه مباحث این بخش مهم‌ترین تحولات قالی کرمان در دوران برخی از این حاکمان محلی مورد توجه قرار می‌گیرد.

عبدالحسین میرزا فرمانفرما: با دومین حضور عبدالحسین میرزا در کرمان عصر ترمه آغاز می‌شود. در سال ۱۳۱۲ ه.ق. / ۱۸۹۴ م. عبدالحسین میرزا فرمانفرما برای بار دوم به کرمان می‌آید. در همین دوران بود که در سنه ۱۳۱۳ ه.ق. / ۱۸۹۵ م.



تصویر ۳. قالیچه تصویری جشن سالانه ونیز که اولین بار به فرمایش عبدالحسین میرزا فرمانفرما در کرمان بافته شد و اکنون در موزه ویکتوریا آلبرت لندن نگهداری می‌شود. (Ford, 1996: 160)

ناصرالدین شاه به دست میرزا رضا کرمانی کشته شد و با شروع حکومت مظفرالدین شاه حرکت رشد صنعت قالی بافی در کرمان سرعت گرفت و حرفه قالی بافی به مهم‌ترین صنعت کرمان بدل شد. در این عصر عبدالحسین میرزا فرمانفرما یکی از حامیان و صاحب‌کاران حوزه تولید و تجارت قالی کرمان در تاریخ فرش کرمان محسوب می‌شد. شیخ یحیی احمدی در فرماندهان کرمان می‌نویسد: «در زمان حکومت فرمانفرما، قالی کرمان ترقی کلی کرد به طوری که اغلب بزرگان کارخانه قالی باز کردند» (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۵). تقریباً بیشتر شاهکارهای هنری قالی کرمان از این زمان به بعد شروع به شکل‌گیری می‌کنند. عبدالحسین میرزا پس از دو سال حکومت در سنه ۱۳۱۴ ه.ق. / ۱۸۹۶ م. به فرمان مظفرالدین شاه به تهران برمی‌گردد.

سومین حضور عبدالحسین میرزا فرمانفرما پس از عزل ظفرالسلطنه در سنه ۱۳۲۳ ه.ق. / ۱۹۰۵ م. روی می‌دهد. او نیز تا شروع عصر مشروطه و امضای قانون مشروطه در سنه ۱۳۲۴ ه.ق. / ۱۹۰۶ م. توسط مظفرالدین شاه حاکم کرمان باقی می‌ماند. فرمانفرما در حضور سوم خود در مقام حاکم کرمان بنابر رسم ثروتمندان تعدادی قالی و قالیچه سفارش می‌دهد و به تجارت قالی می‌پردازد که این نشان‌دهنده رونق اقتصاد قالی کرمان است.

از جمله قالی‌های سفارشی عبدالحسین میرزا فرمانفرما یک تخته قالیچه پرده‌ای با نقش تابلوی نقاشی رنگ و روغن آنتوان واتو^{۱۳} با عنوان «جشن سالانه ونیز»^{۱۴} است که برای اولین بار به فرمایش فرمانفرما در سال ۱۹۱۰ م. / ۱۳۲۸ ه.ق. بافته شد. هرچند که این تابلو در کادری از نقوش منحصر به فرد قالی کرمان طراحی و بافته شده اما اعتراض سایکس انگلیسی را برانگیخته است. وی در سفرنامه خود درمورد به کارگیری برخی طرح‌های غربی در قالی کرمان می‌نویسد: «فرمانفرما چند گرده فرنگی نازیبا سفارش داده و گرده‌های مذکور به تدریج رواج یافته است ولی به موجب توصیه‌های من قالی‌باف‌ها طرح‌های مزبور را موقوف کرده و درمقابل سفارشات اکید نگارنده استعمال همان گرده‌های قدیمی را ادامه داده‌اند. این جانب ادعا می‌کند که هم بدین وسیله و هم به واسطه تهیه بازارهای جدیدی برای مصرف قالی، خدمات شایانی از این رهگذر به صنعت قالی بافی نموده است» (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۳۳). قالیچه یادشده توسط «چارلز مارلینگ» خریداری و به موزه ویکتوریا آلبرت لندن تقدیم شد (ادواردز، ۱۳۵۷: ۲۲۹) و هم‌اکنون در همین موزه موجود است. نسخه‌های مختلفی از این قالی بعدها بافته شد که یکی از این نسخه‌ها به فرمایش مرتضی قلیخان بختیاری

حکومت ارتباط او را با فرش کرمان قطع نکرد و همچنان تجارت قالی کرمان از جمله مشاغل او بود. بهجت‌الملک پس از عزل از کرمان به فارس رفت. به احتمال زیاد در شیراز با خود فرصت‌الدوله یا آثار او آشنا می‌شود و همین آشنایی سبب سفارش یک قالی بسیار زیبا با طرح تخت جمشید و حاشیه آثار تاریخی فارس می‌شود. بسیاری از نقش‌مایه‌های این قالی نفیس مربوط به کتاب آثار عجم فرصت‌الدوله شیرازی است. این قالی در سال ۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۸۹۹ م. در کارگاه استاد ابوالقاسم کرمانی بافته شد.

در سنه ۱۳۲۶ ه.ق. / ۱۹۰۸ م. بهجت‌الملک سردار معتضد پس از عزل نصرت‌الدوله فیروزمیرزا پسر فرمانفرما برای بار دوم حاکم کرمان می‌شود. در این ایام که مصادف با عصر مشروطه در ایران و حکومت محمدعلی‌شاه است، قالی کرمان به بالاترین مراتب رسیده است. هرچند که اوضاع سیاسی مملکت از شرایط ایده‌آلی برخوردار نیست اما به دلیل اقتصاد مستقل فرش و تجارت آن توسط تجار ایرانی و خارجی و

و به سفارش محمدرضاخان در کارگاه استاد علی کرمانی در اواخر عصر قاجار بافته شده است.

بهجت‌الملک: در راستای تحولات بنیانی عصر عبدالحسین میرزا فرمانفرما دوران حکومتی بهجت‌الملک نیز از اعصار درخشان قالی کرمان است که در سال‌های آغازین عصر ترمه در قالی کرمان قرار گرفته است. در ۲۰ محرم ۱۳۱۴ ه.ق. / ۱۸۹۶ م. فرمانفرما برای بار دوم روانه تهران شد و این بار بهجت‌الملک امیرتومان به حکومت کرمان نائل آمد. در زمان حکومت وی در کرمان نظم شهر و ولایت کامل و بیش از هر زمانی قالی کرمان از رونق بالایی برخوردار شد. بهجت‌الملک در دوران حکومت خود به امر تجارت اشتغال داشت که بیشتر تجارت او خرید قالی بود. بدین جهت، او در شناخت قالی خوب بسیار خبره و صاحب‌نظر شد و همین دخالت او در امر تجارت دلیل توجه او به این صنعت در دوران حکومتش بود.^{۱۴} بهجت‌الملک پس از یک سال حکومت در کرمان در سال ۱۳۱۵ ه.ق. / ۱۸۹۷ م. از حکومت کرمان عزل شد اما عزل از



تصویر ۴. قالی تصویری کرمان با نقش ابنیه تاریخی با طرح فرصت‌الدوله شیرازی و به فرمایش بهجت‌الملک حاکم کرمان که در کارگاه استاد ابوالقاسم کرمانی در سنه ۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۸۹۹ م. به ابعاد ۷/۳۹×۵/۲۸ متر بافته شده است. (زکریایی کرمانی، در دست چاپ)

همچنین بازار مناسب فرش ایران در اروپا اوضاع قالی کرمان مطلوب گزارش شده است.

علاءالملک: میرزا محمود خان علاءالملک اصالتاً از سادات طباطبایی تبریز بود که در سال ۱۲۵۸ ه.ق. / ۱۸۲۴ م. متولد شد. وی در کارنامه شغلی خود عضویت وزارت خارجه، نایب اول کنسولگری باکو، مأمور موقتی در لندن، کنسول حاجی طرخان، نیابت و مستشاری سفارت پترزبورگ، سفیر کبیر ایران در ترکیه به مدت شش سال، وزیر معارف، وزیر مختار در دربار روسیه، وزارت عدلیه و معارف را به ثبت رسانیده بود. علاءالملک در ربیع الثانی سنه ۱۳۱۹ ه.ق. / ۱۹۰۱ م. با حکم مظفرالدین شاه حاکم کرمان شد. لندور، سیاح انگلیسی، که در حدود سال ۱۹۰۰ م. تا ۱۹۰۱ م. / ۱۳۱۸ ه.ق. تا ۱۳۱۹ ه.ق. در ایران حضور داشت، در بازدید خود از کرمان علاءالملک را حاکمی لایق و شایسته معرفی می کند: «عالیجناب علاءالملک حاکم کرمان همان بعد از ظهر در محل کنسولگری با کنسول ملاقات داشت. نامه ای را که با خود آورده بودم، تسلیم ایشان کردم. علاءالملک که مدت های مدید در اروپا زندگی کرده است، فرانسه را به روانی سخن می گوید. استعداد زیادی دارد و با همه مقامات توخالی و تشریفاتی که در مناصب بالای ایران قرار گرفته اند، تفاوت دارد» (لندور، ۱۳۸۸: ۳۰۰). وی در عصر حکومت خود در کرمان به دلیل خلق و خوی مردمی بسیار مورد توجه قرار گرفت به طوری که مردم کرمان وی را حاکم دوخوره می نامیدند چرا که رسم بود حاکم برای عبور از شهر صدها فراش و نوکر را پیش می انداخت اما علاءالملک این سنت را شکست. او برای بازدید از شهر بر الاغی سوار می شد و به همراه یک ملازم به شهر می آمد به همین دلیل به او حاکم دوخوره می گفتند.

لندور که علاءالملک را از نزدیک دیده بود، در مورد شخصیت وی و اشتغالش به تولید فرش در بخشی از سفرنامه خود نوشته است: «علاءالملک قبل از هر چیز یک فیلسوف است و از فرصت هایی که در اختیارش قرار می گیرد بخوبی استفاده می کند. با مشکلات زیاد، تحریکات، زدوبندها و فساد که حتی در بین مقامات شهر رواج دارد، روبروست. اما با جبر، حوصله و قضاوت درست اوضاع را بخوبی و رضایتبخش پیش می برد. در کنار مسئولیت رسمی که دارد با همکاری برادرزاده اش دست به کار تولید فرش های بسیار خوب ایرانی هم هست. فرش های تولیدی علاءالملک با رنگ های طبیعی و عالی تولید می شود. دارهای قالی زیادی در ساختمان نزدیک کاخ حکومتی برپا شده است. صدها نفر در کارگاه های قالی بافی حاکم مشغول کار شده اند. خود او قالی های بسیار قدیمی در اختیار دارد. قالی های جدید از روی آن نسخه های قدیمی بافته می شود» (همان: ۳۰۲).

علاءالملک به همراه خود برادرزاده اش، سعدالسلطنه، را نیز به کرمان آورد و طی یک سال حکومت خود در کرمان همانند عبدالحسین خان فرمانفرما و بهجت الملک به تولید فرش مبادرت ورزید. لندور سیاح انگلیسی در مورد تولید فرش علاءالملک و برادرزاده اش چنین می نویسد: «مهمترین مرکز قالی بافی [کرمان] در استانداری مستقر است و طرح های قدیمی را گرت برداری می کند و نتایج خوبی را هم حاصل کرده است. استاندار فعلی عالیجناب علاءالملک است. برادرزاده او علاقه وافری به تولید فرش دارد. او اصرار دارد فرش هایی با طرح های قدیمی بدون تأثیرپذیری از نفوذ خارجیان تولید کند» (همان: ۲۹۹ و ۲۳۰). اگر این گزارش لندور صحت داشته باشد، می توان برخی از طرح های قدیمی فرش کرمان را در فرش های علاءالملک مشاهده کرد.

رکن الدوله: پس از عزل علاءالملک، ظفرالسلطنه به مدت دو سال از سال ۱۳۲۰ ه.ق. / ۱۹۰۲ م. تا ۱۳۲۲ ه.ق. / ۱۹۰۴ م. حاکم کرمان شد. پس از او رکن الدوله به حکومت کرمان رسید. در این ایام جذاب ترین مسئله برای حاکمان کرمان، که همگی غیر کرمانی بودند، قالی کرمان بود. تقریباً از حدود سال ۱۳۱۲ ه.ق. / ۱۸۹۴ م. تا پایان عصر قاجاریه تمامی حاکمان کرمان تعدادی فرش در کرمان سفارش می دهند. عده ای مانند فرمانفرما و بهجت الملک خود به کار تولید و تجارت مبادرت می ورزند و عده ای دیگر مانند رکن الدوله فقط به سفارش و تجارت قالی اشتغال می ورزند. این شرایط نشان دهنده رونق و سود بالای حوزه قالی کرمان در این عصر است. که این چنین همه ثروتمندان را به خود مجذوب کرده است. از زمان رکن الدوله یک تخته قالیچه با نقش دو زن با شمایل اروپایی در موزه فرش ایران موجود است که در کتیبه آن «سفارش رکن الدوله» کتابت شده است. این قالی احتمالاً مربوط به یک سال حکومت رکن الدوله در کرمان است.

در سال ۱۳۲۲ ه.ق. / ۱۹۰۴ م. با آغاز حکومت رکن الدوله در کرمان رکودی در بازار قالی ایران روی می دهد که براساس آن قیمت قالی به شدت پایین می آید. این افت قیمت مربوط به کاهش تقاضا در بازار جهانی بود که صنعت فرش کرمان را نیز دچار آسیب کرد. در این دوران فرش با رکود جهانی مواجه بود و مازاد بیش از حد موجودی فرش در بازارهای انگلستان وضع را وخیم تر می کرد. افضل الملک در سفرنامه خراسان به این افت قیمت اشاره می کند: «قالی راوراً پارسال ذرعی شانزده تومان به فروش می رسید. امسال تنزل کرده و بازار قالی فروشی کساد شده است، ذرعی هشت تومان کمتر به فروش می رسد و در قالیچه ها قیمت هر ذرع زیاده بر این هاست» (افضل الملک، بی تا: ۱۸۱).

درخت به‌ویژه درخت سرو که داخل آن توسط نقش مایه‌های ریز و پرکار پُر شده است؛ بازنمایی صورت‌های مختلفی از باغ و بوستان ایرانی از جمله ویژگی‌های طرح و نقش این دوره است. در طرح فرش عصر بهارستان بیش از بندهای اسلیمی از شاخه‌های ختایی و انواع گل‌های ختایی به‌علاوه نقش مایه‌های ابتکاری و مختص این دوره استفاده می‌شود. به‌طور کلی، فرش این عصر به این دلیل بهارستان نامیده می‌شود که گوشه‌های از یک باغ شاداب و گلزاری نغز را بازنمایی می‌کند. یکی از مشخصات مهم این عصر رواج تصویرگری و پیکره‌نگاری در فرش کرمان است. هنرمندانی چون حسن خان شاه‌رخ، احمدخان شاه‌رخ و زمان خان میرحسینی شکل‌دهندگان این عصر در طرح و نقش فرش کرمان هستند. از سال‌های پایانی این عصر رونق بازار آمریکا افزایش می‌یابد و همین بازار جدید زمینه‌ساز شکل‌گیری دوره‌های بعدی قالی کرمان می‌شود.

همان‌طور که گفته شد، عصر بهارستان با ورود خارجی‌های سرمایه‌گذار در فرش کرمان مطابق بود و شاید همین حضور و تقاضای طرح و نقش‌های کلاسیک و به‌ویژه عناصر تصویری موجب ایجاد تحولات طرح و نقش قالی کرمان شد که در ادامه در مورد فعالیت این گروه از سرمایه‌گذاران صحبت بیشتری خواهد شد.



تصویر ۵- قالیچه محرابی گلدانی درختی که به‌فرمایش شهاب‌السلطنه بختیاری در دوره بهارستان بافته شده است. (ملول، ۱۳۸۴: ۱۳۹)

احمدعلی خان وزیر نیز در ذیل شرح قالی کرمان به این بحران اشاره می‌کند: «...از سنه ۱۳۲۰ هجری [قیمت قالی] تنزل نمود، خریداران دست از تجارت قالی کشیده خیلی خسارت و ضرر به مردم وارد آمد و کنون که حال تحریر این رساله است، هنوز بازار کساد است» (وزیری، ۱۳۸۵: ب: ۱۱۵). شرایط کساد بازار در این گزارش احمدعلی خان مربوط به تحولات دهه ۱۳۲۰ ه.ق. / ۱۹۰۰ م. است. در دوران حکومت رکن‌الدوله علاوه بر افت بازار و ضررهای حاصل از آن به اقتصاد کرمان یک بیماری وبای همه‌گیر سازمان اقتصادی کرمان را به‌طور کامل برای مدتی تعطیل کرد. این واقعه در شعبان و رمضان سال ۱۳۲۳ ه.ق. / ۱۹۰۵ م. روی داد به‌طوری که نواب شاهزاده رکن‌الدوله فرمانفرمای کرمان و بلوچستان به پنج فرسخی شهر فرار کردند و تقریباً بازارها تعطیل شد و تجار به خارج از شهر فرار کردند (روزنامه سلطانی ایران) اما این وضعیت چندان دوام نیاورد و با رفع بیماری وبا و رونق بازار جهانی فرش، اقتصاد کرمان به‌ویژه فرش قوت گرفت و فرش کرمان نیز از این تحولات جدید منافع قابل توجهی برد. رشد تقاضای قالی کرمان پس از این واقعه مربوط به سال ۱۳۲۴ ه.ق. / ۱۹۰۶ م. است که در این سال به‌رغم ناآرامی‌های انقلاب مشروطه فرش صادراتی ایران و کرمان به بالاترین حد خود رسید (اتیک، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

عصر بهارستان (از ۱۳۲۷ ه.ق. / ۱۹۰۹ م. تا ۱۳۳۳ ه.ق. / ۱۹۱۴ م.)

بازار روبه‌رشد قالی کرمان در دهه ۱۳۲۰ ه.ق. / ۱۹۰۰ م. تنوع قابل توجهی در طرح و نقش قالی‌های این منطقه ایجاد کرد. اقتباس‌های گوناگون از نقوش پارچه‌های ترمه چندان جوابگو نبود و درمقابل با شکل‌گیری صنعت فرش به‌عنوان صنعت اول منطقه کرمان هنرمندان این عرصه به توانایی‌های خود پی‌بردند و همین هنرمندان از حدود سال ۱۳۲۷ ه.ق. / ۱۹۰۹ م. که آغاز حضور خارجیان سرمایه‌گذار در قالی کرمان بود، پرچم‌دار جنبشی جدید در دوره نوزایی تاریخ فرش کرمان به‌نام عصر بهارستان شدند. در این عصر از تاریخ فرش کرمان با رهبری نابغه‌ای به‌نام حسن خان شاه‌رخ و هم‌عصرانش روند منطقی تکاملی عصر ترمه از گره‌برداری صرف نقوش شال خارج شد و به الگوهای اصیل و سنتی فرش ایران بازگشت اما با این تفاوت که بسیاری از شاخصه‌های زیبایی‌شناسی عصر ترمه هنوز در قاموس فرش کرمان وجود داشت. زمینه‌های شلوغ، رنگ‌بندی متنوع، بهره‌گیری از عناصر تزئینی شال مانند انواع بته، به‌کارگیری نقش پرندگان مختلف مانند بلبل، قناری، کبوتر، هدهد^{۱۵}، عقاب، شاهین، طاووس، قرقاول، کبک و امثال آن، بهره‌گیری فراوان از نقش مایه

با حضور جلال الدوله مسعود میرزا پسر ظل السلطان حاکم کرمان در سال ۱۳۲۹ ه.ق./۱۹۱۱ م. زمینه ورود قالی کرمان به یکی از اصیل ترین نقاط فرش بافی ایران - یعنی اصفهان - فراهم می شود. ادامه این روند در عصر بازگشت و دوره حکمرانی حاکمان بختیاری کرمان بیش از پیش دیده می شود. در واپسین سال های حکومت قاجار در کرمان چهار حاکم بختیاری به حکومت کرمان می رسند. امیرمفخم بختیاری در سنه ۱۳۳۰ ه.ق./۱۹۱۱ م. سردار محتشم بختیاری در سنه ۱۳۳۱ ه.ق./۱۹۱۳ م. و سردار ظفر بختیاری ۳۳۳ ه.ق./۱۹۱۵ م. سه حاکم بختیاری کرمان هستند که به ترتیب در فاصله سه سال در کرمان حکومت کردند. اما آخرین حاکم بختیاری کرمان در عصر قاجار جعفر قلی خان پسر علی قلی خان سردار اسعد است که پس از مرگ پدر وی نیز لقب سردار اسعدی (سردار اسعد سوم) گرفت. سردار اسعد پدر وی لقب سردار اسعدی (سردار اسعد سوم) گرفت. سردار اسعد نیز به رسم حاکمان قبلی در زمان حکومت خود تعدادی قالی سفارشی دستور داد. حکام بختیاری کرمان به سود و منفعت مالی توجه زیادی داشتند بنابراین حضور آنها در کرمان می توانست صنعت فرش کرمان را برای آنها به یک هدف سودآور تبدیل کند. حاکمان بختیاری کرمان که از عصر بهارستان تا عصر بازگشت در قالی کرمان سرمایه گذاری کردند، زمینه حضور سایر خان های بختیاری مانند مرتضی قلی خان بختیاری^{۱۶} و شهاب السلطنه بختیاری^{۱۷} را به حوزه سفارش فرش کرمان فراهم ساختند.

عصر بازگشت (۱۳۳۳ ه.ق./۱۹۱۴ م. تا ۱۳۱۲ ه.ش./۱۹۳۳ م.)

ساختار اقتصادی فرش کرمان از آغاز قرن بیستم میلادی به طور قابل توجهی به بازارهای غربی وابسته شد و از یک صنعت محلی به صنعتی کاملاً بین المللی تبدیل گشت. مهم ترین رویداد جهانی از آغاز قرن بیستم میلادی شروع اولین جنگ جهانی است که به طور قابل توجهی بر ساختار اقتصادی و همچنین طرح و نقش قالی کرمان اثر گذاشت. تحولات پس از جنگ جهانی اول در تاریخ فرش کرمان تحت عنوان «عصر بازگشت» نامگذاری شده است.

با آغاز جنگ در سال ۱۹۱۴ م./۱۳۳۳ ه.ق. چند سالی فرش کرمان از رونق افتاد. در این دوران به دلیل دشمنی حافظان منافع انگلیس و آلمان تولید فرش در ایران به حد توقف رسید اما پس از جنگ بازار ایران به ویژه کرمان با جذب سرمایه گذاران آمریکایی رونقی دوباره یافت. در این سال ها بیشتر طراحان قالی های کرمانی به دلیل فراغت از تجاری شدن فرش، به طرح های سنتی و کلاسیک صفوی

رجوع کردند. گرایش به طرح های قدیمی و کلاسیک ایران عصر صفوی موجب شد بازگشتی دوباره به اصالت های سنتی روی دهد، به همین واسطه این عصر تحت عنوان عصر بازگشت به دوران کلاسیک شهرت یافت. یکی از عوامل مهم شکل گیری گرایش به سمت طرح های دوره کلاسیک کرمان نشر کتاب های مرتبط با فرش های صفوی کرمان در اروپا بود. کتاب قالی های کهن مشرق زمین که در سال ۱۸۹۶ م./۱۳۱۴ ه.ق. در وین به چاپ رسیده بود، در شکل گیری عصر بازگشت به دوره کلاسیک بسیار مؤثر بود. در این کتاب نمونه های برجسته ای از قالی های عصر صفوی به چاپ رسیده بود و احتمالاً برخی خارجی های سرمایه گذار در قالی کرمان در عصر بازگشت نسخه یا تصاویری از این کتاب را به کرمان آوردند و طراحان کرمانی با بهره گیری از آن رجوعی ارزشمند به سبک های گذشته داشتند. طرح هایی مانند لچک ترنج شاه عباسی، افشان شاه عباسی، نقوش اسلیمی و انواع لچک ترنج، ریزماهی و امثال آن مورد توجه طراحان کرمانی قرار گرفت اما با پایان جنگ ساختار فرش کرمان دستخوش تحولاتی اساسی شد.

در طول جنگ جهانی اول اروپا تقریباً ویران شد و ساختمان های مخروبه و اقتصاد ورشکسته اروپای جنگ زده نیازی به فرش های گران قیمت کرمان نداشت اما در آن سوی کره خاکی قاره ای قرار داشت که از آسیب های جنگ به طور قابل توجهی مصون مانده بود و پس از جنگ بسیاری از ثروتمندان اروپایی به این سرزمین پناه برده بودند و رونق اقتصادی در حال شکل گرفتن بود. آمریکا به دلیل بعد مسافت با اروپا از ویرانی جنگ به دور مانده بود و پس از پایان جنگ برخلاف کشورهای اروپایی که مجبور به بازسازی بودند، بیشتر به توسعه اقتصادی پرداخت. این کشور که در حال ثروتمند شدن بود، می توانست بازاری مستعد برای فرش ایران به ویژه کرمان باشد. تقریباً بیشتر تولیدات کرمان پس از جنگ جهانی اول برای بازار آمریکا تهیه می شد و حتی آن دسته از تولیدکنندگانی که قبلاً برای اروپا فرش تولید می کردند، به بازار پرتقاضای آمریکا جذب شدند. در طول جنگ به دلیل رکود بازارهای جهانی چندین شرکت خارجی در کرمان ادارات خود را تعطیل کرده بودند اما پس از پایان جنگ و رونق بازار آمریکا دوباره به بازگشایی ادارات خود ترغیب شدند. این رونق سرمایه گذاری تا به حدی رسید که در فاصله سال های ۱۳۰۱ ه.ش./۱۹۲۲ م. تا ۱۳۰۸ ه.ش./۱۹۲۹ م. هم میزان تولید قالی و هم مرغوبیت آن به بالاترین حد خود رسید و شمار دستگاه ها در سراسر خاک کرمان بالغ بر ۵۰۰۰ دستگاه شد، این در حالی است که در آستانه جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م./۱۳۳۳ ه.ق.

بنابراین آنها مجبور بودند مقداری از پرز قالی‌ها را بتراشند تا رنگ اصلی بهتر ظاهر شود. در ضمن، مشتریان آمریکایی طالب نقش‌های درشت‌تری بودند. به همین دلیل، طراحان کرمانی به طرح‌های درشت عصر صفویه رجعت دوباره کردند و طرح‌هایی مانند لچک‌ترنج، اسلیمی، ترنج‌های کوچک مکرر، شکارگاه، طرح‌های واگیره و قابقابی، قالی‌هایی با گل و بته درونی در این عصر مرسوم شد. این دوران تا اواخر بحران اقتصادی پایان دهه ۱۹۲۰م. / ۱۳۹۹ه.ش. ادامه داشت و شاید بتوان ادعا کرد که بهترین نمونه‌های قالی کرمان در این عصر به وجود آمد (به‌آذین، ۲۵۳۶: ۱۲۱).

جنگ جهانی اول و شکست آلمان و متحدان آن باعث شد که از تعداد بازرگانان تبریزی که بیشتر برای بازار اروپای مرکزی فعالیت می‌کردند، کاسته شود (خان محمدآذری، ۱۳۵۶: ۲۲) و به مرور از میدان رقابت خارج شوند و در نتیجه بازرگانی قالی کرمان در بست در اختیار بیگانگان قرار بگیرد و همین تحولات زمینه‌ساز سایر تغییرات در طرح و نقش فرش کرمان در عصر قاجار شود. توسعه فعالیت شرکت‌های «او. سی.ام»^{۱۸} و «عطیه‌بروس»^{۱۹} که در بازار آمریکا نفوذ بسیاری داشتند، از جمله تحولات قالی کرمان در عصر بازگشت است. شرکت‌های خارجی که کنترل اقتصاد فرش کرمان را به دست گرفته بودند، هرگز به قالی کرمان به چشم هنری سنتی و ملی نگاه نمی‌کردند و فقط ذائقه بازار تشنه آمریکا و اروپا برای آنها اهمیت داشت. در واقع، همین توجه به ذائقه مشتریان با نیم‌نگاهی به حفظ سنت‌های گذشته باعث شد ثروت این شرکت‌ها به‌طور قابل توجهی افزایش پیدا کند. با رونق بازار آمریکا سلیقه این بازار نیز دستخوش تغییراتی شد که همین تغییرات مبنای عصری نوین در طراحی فرش کرمان قرار گرفت. این بازار جدید در ابتدا باعث رونق فرش کرمان شد اما تقاضای زیاد این بازار بزرگترین آفت فرش کرمان - یعنی شیوع شیوه‌های غلط‌بافی مانند بی‌گره‌بافی و جفتی‌بافی - را نیز به همراه داشت.

در سال‌های پایانی عصر بازگشت به نقوش کلاسیک با تصویب مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۴ه.ش. / ۱۹۲۵م. دولت قاجاریه منقرض و حکومت شاهنشاهی پهلوی در ایران مستقر شد و همزمان با این تغییر حکومت مبنای تاریخ ایران نیز از هجری قمری به هجری شمسی تغییر کرد. در آغاز حکومت پهلوی توجه به قالی کرمان و حوزه شرق ایران افزایش یافت اما سیر تحول سازمانی فرش ایران هنوز بر پایه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بود تا این که پس از بحران اقتصادی ۱۹۳۳م. / ۱۳۱۲ه.ش. و خروج شرکت‌های خارجی از کرمان دستور تأسیس شرکت سهامی

در کرمان و اطراف آن ۳۵۰۰ دستگاه قالی‌بافی در حال کار بود (به‌آذین، ۲۵۳۶: ۱۱۵).

جنگ جهانی اول صنعت و بازار فرش‌های پیرو طرح‌های شال را پایان داد، این فرش‌ها برای بازار آمریکا بسیار ظریف و شلوغ بود. واردکننده آمریکایی فرش‌هایی می‌خواست که بتواند با استفاده از مواد شیمیایی رنگ‌های آنها را ملایم‌تر کند و به پرزهای آنها درخشندگی بدهد. اما این فرش‌های ظریف و خوب نمی‌توانست این عملیات را تحمل کند. از این رو، دوره جدید و متفاوتی به وجود آمد که براساس آن منطقه کرمان و اطراف آن به بافت فرش‌های ضخیم و کلفت‌تر مبادرت ورزیدند. (Jacobsen, 1973: 244)

در سال‌های آغازین بعد از جنگ که بازار آمریکا بخش عمده تولید کرمان را به خود اختصاص داده بود، بازار اروپا به‌ویژه لندن طالب فرش‌های قدیمی و کلاسیک کرمان بود. بدین واسطه، در این زمان قالی‌های متوسط که در آمریکا بازار نداشت، کهنه می‌شد و به اروپا جهت فروش در بازار لندن فرستاده می‌شد. در این ایام آمریکا خواستار قالی‌های کلفت‌تری شد زیرا وقتی این قالی‌های ظریف در آمریکا شستشو می‌شد، برخی از رنگ‌های آنها زایل می‌گشت



تصویر ۶. قالی کرمان با نقش ریزماهی یا هراتی مربوط به عصر بازگشت. (زکریایی کرمانی، در دست چاپ)



فرش ایران در سال ۱۳۱۴ ه.ش./۱۹۳۵ م. صادر شد و این شرکت که به منظور حفظ و حمایت از تولیدات داخلی و جلوگیری از حوادث گذشته تأسیس شده بود، در کرمان تأسیس شد. تأسیس شرکت سهامی فرش ایران و تعطیلی شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی آغازگر دوران معاصر تاریخ فرش کرمان است.

جدول ۱. جدول تطبیقی پادشاهان قاجار با حاکمان محلی کرمان در دوره نوزایی فرش کرمان.

نام پادشاه	نام حاکم کرمان	شروع ق.ه. / م.	پایان ق.ه. / م.	تعداد سال	فعال در تولید قالی	دوره‌های قالی کرمان
مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴)	عبدالحسین میرزا نصرت الدوله فرمانفرما	۱۸۹۴/۱۳۱۲	۱۸۹۶/۱۳۱۴	۲		عصر نریمه
	بهجت‌الملک امیر تومان	۱۸۹۶/۱۳۱۴	۱۸۹۷/۱۳۱۵	۱		
	حاجی غلامرضا خان آصف‌الدوله	۱۸۹۷/۱۳۱۵	۱۸۹۹/۱۳۱۷	۲		
	حسنعلیخان امیر نظام گروسی	۱۸۹۹/۱۳۱۷	۱۹۰۰/۱۳۱۷	کمتر از ۱		
	حسام‌الملک	۱۹۰۰/۱۳۱۷	۱۹۰۱/۱۳۱۹	۲		
	محمودخان علاء‌الملک	۱۹۰۱/۱۳۱۹	۱۹۰۲/۱۳۲۰	۱		
	ظفر السلطنه	۱۹۰۲/۱۳۲۰	۱۹۰۴/۱۳۲۲	۲		
	رکن‌الدوله	۱۹۰۴/۱۳۲۲	۱۹۰۵/۱۳۲۳	۱		
	ظفر السلطنه	۱۹۰۵/۱۳۲۳	۱۹۰۵/۱۳۲۳	کمتر از ۱		
	عبدالحسین میرزا نصرت‌الدوله فرمانفرما	۱۹۰۵/۱۳۲۳	۱۹۰۶/۱۳۲۴	۱		
محمد علی‌شاه (۱۳۲۴-۱۳۲۷)	نصرت‌الدوله فیروز میرزا پسر فرمانفرما	۱۹۰۶/۱۳۲۴	۱۹۰۸/۱۳۲۶	۱		عصر بهارستان
	سردار معتضد (بهجت‌الملک)	۱۹۰۸/۱۳۲۶	۱۹۰۸/۱۳۲۶	کمتر از ۱		
	صاحب‌اختیار	۱۹۰۸/۱۳۲۶	۱۹۰۹/۱۳۲۷	۱		
احمد شاه (۱۳۲۷-۱۳۳۸)	قوام‌الملک	۱۹۰۹/۱۳۲۷	۱۹۱۰/۱۳۲۸	۱		عصر بازگشت
	صارم‌الملک برادرزاده سردار جنگ	۱۹۱۰/۱۳۲۸	۱۹۱۰/۱۳۲۸	کمتر از ۱		
	نصرت‌السلطان	۱۹۱۰/۱۳۲۸	۱۹۱۱/۱۳۲۹	۱		
	جلال‌الدوله مسعود	۱۹۱۱/۱۳۲۹	۱۹۱۱/۱۳۲۹	کمتر از ۱		
	شاهزاده امیر اعظم	۱۹۱۱/۱۳۲۹	۱۹۱۲/۱۳۳۰	۱		
	امیر مفخم بختیاری	۱۹۱۲/۱۳۳۰	۱۹۱۲/۱۳۳۱	۱		
	سردار محتشم بختیاری	۱۹۱۲/۱۳۳۱	۱۹۱۶/۱۳۳۴	۳		
عصر بازگشت	سردار ظفر بختیاری	۱۹۱۶/۱۳۳۴	۱۹۱۷/۱۳۳۶	۲		
	حشمت‌الدوله والاتباب	۱۹۱۷/۱۳۳۶	۱۹۱۹/۱۳۳۸	۲		
	سردار اسعد بختیاری	۱۹۱۹/۱۳۳۸	۱۹۲۳/۱۳۴۲	۴		
	سردار معظم خراسانی (تیمورتاش)	۱۹۲۳/۱۳۴۲	۱۹۲۵/۱۳۴۴	۲		

(نگارندگان)

نتیجه گیری

تاریخ فرش کرمان در روند شکل‌گیری خود فرازونشیب‌های زیادی داشته است؛ همچنین تاریخ این هنر بی‌همتا نقاط مبهم و تاریک بسیاری دارد. در طول تاریخ فرش کرمان، همان‌طور که فرش باعث تحولات قدرت سیاسی و اقتصادی در کرمان شده، تحولات قدرت سیاسی و اقتصادی نیز بر روند شکل‌گیری نقش و طرح فرش تأثیر مستقیم و عمیقی گذاشته است. از جهتی تقسیمات ادوار فرش کرمان در دوره نوزایی، بر مبنای تحولات طرح و نقش آنهاست و یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری طرح و نقش فرش در این دوران، تحولات قدرت سیاسی و اقتصادی است. مهم‌ترین ویژگی قالی بافی در عصر نوزایی، توجه برخی از حاکمان به این هنر و صنعت است. بنابراین می‌توان گفت که تاریخ فرش کرمان به خصوص در دوره نوزایی در عصر قاجار، بیشترین تأثیر را از مؤلفه قدرت حاکمان و عملکردشان در آن دوره، گرفته است. بنابراین مطالعات تاریخی کرمان و تطبیق آن با اطلاعات موجود فرش بافی نه تنها با سازمان‌دهی داده‌ها و اطلاعات موجب ابهام‌زدایی از تاریخ فرش کرمان شده، بلکه افق جدیدی از مطالعات تطبیقی هنر را به روی ما گشوده است. امید است با ادامه مطالعات و تحقیقات گسترده‌تر به شناختی صحیح از تاریخ فرش کرمان و دیگر نقاط ایران دست یابیم.

پی‌نوشت

- 1- P. R. J. Ford
- 2- Oriental Carpet Design: A Guide to Traditional Motifs, Pattern and Symbols
- 3- Great Carpets of the World
- 4- Valerie Berinstain,
- 5- Ian Bennett
- 6- Rugs & Carpet of the World
- 7- Carpets: Techniques, Traditions and History
- 8- Jacques Anquetil,
- ۹- گنجعلی‌خان در سال ۱۰۰۵ ه.ق/۱۵۹۶ م. به حکومت کرمان منسوب شد و پس از ورود به کرمان با آغاز اصلاحات یکی از درخشان‌ترین اعصار کرمان را شکل داد.
- ۱۰- با پایان حکومت قاجار و روی کار آمدن حکومت پهلوی تاریخ رسمی ایران از هجری قمری به هجری شمسی تغییر می‌کند و تمامی اسناد و مدارک دولتی به تاریخ هجری شمسی نگارش می‌شوند. به همین دلیل در این مقاله متناسب با تحولات تاریخی از دو معیار تاریخی هجری قمری و هجری شمسی بهره گرفته شده است.
- ۱۱- نام قدیم شهر کرمان.
- 12- Antoine Watteau
- ۱۳- اصل این تابلوی رنگ‌روغن که در سال ۱۷۱۸ م/۱۱۳۱ ه.ق. نقاشی شده است، هم‌اکنون در گالری ملی اسکاتلند در ادینبورگ نگهداری می‌شود.
- ۱۴- در بین حکام کرمان کمتر کسی مانند بهجت‌الملک در دوران حکومتش پول به جیب زد. او همه محصولات محلی از گندم، جو، نخود، عدس، پنبه، پشم، کره و امثال آن را خریداری می‌کرد و در انبارها نگاه می‌داشت و در زمستان همین محصولات را تا سه برابر می‌فروخت.
- ۱۵- در کرمان به آن شانه‌به‌سر یا هودی‌کلاه می‌گویند و نماد خوش‌یمنی است.
- ۱۶- پسر بزرگ نجف‌قلی‌خان صمصام‌السلطنه و نوه امام‌قلی‌خان مالک قریه‌شلمزار و از مشروطه‌خواهان بنام چهارم‌محل و بختیاری (باستانی پاریزی، ۱۳۸۳).
- ۱۷- غلامحسین‌خان شهاب‌السلطنه بختیاری که بعدها لقب سردارمحتشم گرفت. ششمین پسر امام‌قلی‌خان مشهور به حاجی ایلخانی مؤسس جوان‌ترین شاخه هفت‌لنگ بود. وی دوبار ایل‌خان و ایل‌بیگ بختیاری شد. او از جمله سران بختیاری است که پس از مشروطه نقشی ملی‌گرا داشت.
- 18- O.C.M.
- 19- Atiyeh& Bros



منابع و مأخذ

- اتیک، آنت. (۱۳۸۴). «فرش‌های دوران قاجاریه». تاریخ هنر فرش بافی در ایران: براساس دایره‌المعارف ایرانیکا. ترجمه لعلی خمسه. احسان یارشاطر (ویراستار علمی). تهران: نیلوفر.
- احمدی، شیخ یحیی. (۱۳۸۶). فرماندهان کرمان. محمدابراهیم باستانی پاریزی (تصحیح و تحشیه). تهران: نشر علم.
- ادواردز، سیسیل. (۱۳۵۷). قالی ایران. ترجمه مهین دخت صبا. تهران: انجمن دوستداران کتاب.
- افضل‌الملک، غلامحسین خان (بی‌تا). سفرنامه خراسان و کرمان. قدرت‌الله روشنی (مصحح). تهران: توس.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. (۱۳۶۸). گنجعلی‌خان. تهران: اساطیر.
- به‌آذین، م.ا. (۲۵۳۶). قالی ایران. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- پرهام، سیروس. (۱۳۵۷). «خواندنی: نقشه‌های قالی کرمان». راهنمای کتاب، (۱۸۹ و ۱۹۰)، ۳۴۵-۳۳۹.
- جواهرکلام، علی. (۱۳۳۴). «امضای پیمان صلح جنگ جهانی اول بر قالی کرمان». اطلاعات ماهانه، (۹۳)، ۱۱-۱۳.
- خان‌محمدآذری، بهمن. (۱۳۵۶). «قالی ایران را بشناسیم: قالی کرمان گوهر جاودانه ایران ۱». هنر و مردم، (۱۷۴)، ۲۵-۱۸.
- _____ (۱۳۵۶). «قالی ایران را بشناسیم: قالی کرمان گوهر جاودانه ایران ۲». هنر و مردم، (۱۷۵)، ۳۳-۲۵.
- خوش‌روزاده، جعفر. (۱۳۸۲). «میشل فوکو و انقلاب اسلامی، رویکردی فرهنگی از منظر چهره‌های قدرت». اندیشه انقلاب اسلامی، (۷ و ۸)، ۱۹۱-۱۷۴.
- دیبا، لیلایس. (۱۳۸۴). «فرش‌های دوران افشاریه و زندیه». تاریخ هنر فرش بافی در ایران: براساس دانشنامه ایرانیکا. ترجمه لعلی خمسه. احسان یارشاطر (ویراستار علمی). تهران: نیلوفر.
- روح‌فر، زهره. (۱۳۷۴). «معرفی یک قالی وقفی از مجموعه موزه ملی ایران». وقف میراث‌جاویدان، (۹)، ۱۰۸-۱۰۴.
- رهبری، مهدی. (۱۳۸۵). «تحول گفتمانی قدرت (جستارهایی در باب تحول مفهومی قدرت در دوران کلاسیک، میانه، مدرن و پسامدرن)». پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، (۱۱۷)، ۱۵۲-۱.
- زکریایی کرمانی، ایمان. (در دست چاپ). فرش دارالامان کرمان در عصر قاجار. کرمان: حوزه هنری کرمان و انتشارات سوره مهر.
- سایکس، سرپرسی. (۱۳۶۳). سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس: دو هزار مایل در ایران. ترجمه حسین سعادت‌نوری. تهران: لوحه.
- سلیمی‌نوه، اصغر. (۱۳۸۳). «گفتمان در اندیشه فوکو». کیهان فرهنگی، (۲۱۹)، ۵۵-۵۰.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۸). تجزیه و تحلیل نشانه- معناشناختی گفتمان. تهران: سمت.
- ضمیران، محمد. (۱۳۸۹). میشل فوکو: دانش و قدرت. تهران: هرمس.
- طبسی، محسن. (۱۳۸۳). «میشل فوکو: شناخت‌شناسی و تصور قدرت». مجله هنر، (۶۰)، ۱۲۷-۲۷.
- فوکو، میشل. (۱۳۸۹). دیرینه‌شناسی دانش. ترجمه عبدالقادر سواری. تهران: گام نو.
- کرمان در اسناد امین‌الضرب. (۱۳۸۴). به‌اشراف اصغر مهدوی، نرگس پدram. ایرج افشار (مصحح)، تهران: ثریا.
- لندور، آرنولد هنری ساویج. (۱۳۸۸). ایران در آستانه مشروطیت: در سرزمین آرزوها. ترجمه علی‌اکبر عبدالرشیدی. تهران: اطلاعات.
- ملول، غلامعلی. (۱۳۸۴). بهارستان: دریچه‌ای به قالی ایران. تهران: زرین و سیمین.
- واکر، دانیل. (۱۳۸۴). «فرش‌های دوران صفوی». تاریخ هنر فرش بافی در ایران: براساس دانشنامه ایرانیکا. ترجمه لعلی خمسه. احسان یارشاطر (ویراستار علمی). تهران: نیلوفر.
- وزیری، احمدعلی‌خان. (۱۳۸۵ الف). تاریخ کرمان. محمدابراهیم باستانی پاریزی (مصحح و حاشیه‌نویس). تهران: نشر علم.
- _____ (۱۳۸۵ ب). جغرافیای کرمان. محمدابراهیم باستانی پاریزی (مصحح و حاشیه‌نویس). تهران: نشر علم.
- حشمتی‌رضوی، فضل‌الله. (۱۳۸۷). تاریخ فرش: سیر تحول و تطور فرش بافی ایران. تهران: سمت.



- Anquetil, J. (2003). **Carpets: Techniques, Traditions and History**. London: Octopus Publishing Group Ltd.
- Bennett, I. (2004). **Rugs & Carpets of the World**. London: Greenwich Editions.
- Berinstain, Valerie et al. (1996). **Great Carpets of the World**. London: Thames and Hudson.
- Edwards, A. C. (1975). **The Persian Carpet: A Survey of the Carpet- Weaving Industry of Persia**. London: Duckworth.
- Ford, P. R. J. (1993). **Oriental Carpet Design: A Guide to Traditional Motifs, Patterns and Symbols**. London: Thames and Hadson.
- Hawley, W. A. (1970). **Oriental Rugs Antique & Modern**. New York: Dover Publications, INC.
- Jacobsen, Ch. W. (1973). **Oriental Rugs: A Complete Guide**. Tokyo: Charles E. Tuttle Company, INC.
- Sabahi, T. (2005). **Cinque Secoli di Tappeti a Kerman**. Italia: Edizioni del Capricorno.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی